

پیامدهای عضویت چین در سازمان تجارت جهانی^۱

برگردان: ف. م. هاشمی

سرانجام پس از ۱۵ سال مذاکرات طولانی و خسته‌کننده، چین در ۱۱ دسامبر سال ۲۰۰۱ به‌عنوان یک صد و چهل و سومین عضو، در سازمان تجارت جهانی پذیرفته شد. بازگشایی اقتصاد قوی و بسیار بزرگ چین بر روی بازار جهانی، اگر چه ممکن است در کوتاه مدت پیامدهای نگران‌کننده‌ای برای شرکت‌های تجاری چین داشته باشد اما، بدون تردید در بلند مدت به سود اقتصاد جهانی و شرکای تجاری، این کشور است.

مترجم

چین در اواخر دهه‌ی ۱۹۷۰، بازگشایی در اقتصاد خود را بر روی اقتصاد جهانی آغاز کرد. در اوایل دهه‌ی ۱۹۸۰، این کشور به‌انزوای جهانی خود پایان داد و به‌دنبال تایوان، خواستار عضویت در «صندوق جهانی پول» و «بانک جهانی پول» شد. (چین یکی از موسسان اولیه‌ی این دو نهاد مالی جهانی بود). تا سال ۱۹۸۶، توجه چین به‌احیای جایگاه محوری این کشور در «قرارداد عمومی تعرفه و تجارت» (GATT گات) معطوف شد که از سال ۱۹۵۰ از آن خارج شده بود.

به موازات حرکت چین از اقتصاد برنامه‌ریزی شده و متمرکز به سوی اقتصاد بازار، به تدریج برنامه‌ریزی تجاری منسوخ شد و تجارت شکل غیرمتمرکز به‌خود گرفت، تعرفه‌ها کاهش پیدا کرد. نرخ‌های متعدد ارز جای خود را به نرخ واحد داد (۱۹۹۴) و هرگونه کنترل بر معامله‌های امروزی حساب‌های جاری لغو شد (۱۹۹۶). این اقدام‌ها، همراه با برخی اصلاحات دیگر، به‌گسترش سریع تجارت خارجی چین و سرازیر شدن سیل سرمایه‌ی خارجی به این کشور منجر شد. صادرات چین از ۱۰ میلیارد دلار در سال

۱. این مقاله نوشته‌ی مشترک Ramesh Adhikari اقتصاددان ارشد شاغل در انستیتوی اقتصاد تحقیقاتی وابسته به بانک توسعه‌ی آسیا و yong Zeng yang اقتصاددان ارشد در دپارتمان سیاستگذاری توسعه‌ی «صندوق جهانی پول» است - مترجم.

۱۹۷۸ به ۲۷۸ میلیارد دلار در سال ۲۰۰۰ رسید و به این ترتیب این کشور به ششمین قدرت تجاری جهان تبدیل شد. این در حالی است که چین تا اواخر دهه‌ی ۱۹۷۰ سی‌امین قدرت تجاری جهان محسوب می‌شد. نسبت تجارت به تولید ناخالص داخلی این کشور، از ۱۰ درصد در آغاز اصلاحات به ۴۰ درصد در اواخر دهه‌ی ۱۹۹۰ رسید. حجم سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی (FDI) در چین نیز در سال ۲۰۰۰ از مرز ۴۷ میلیارد دلار گذشت و از این نظر چین پس از آمریکا در رتبه دوم جهان قرار گرفت.

انگیزه‌ی چین از پیوستن به «سازمان تجارت جهانی» (WTO) را باید در این حقیقت جست‌وجو کرد که چین برای پیشبرد اصلاحات و حفظ منافع تجاری خویش در شرایط رشد سریع اقتصادی دهه‌های ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰، و نیز غلبه بر موانع داخلی اصلاحات، نیازمند حضور یک عامل خارجی بود. اما، این روند، بسیاری از شرکای تجاری چین را نگران کرد. برخی از این کشورهای در حال توسعه نگران آن بودند که در پی دگرگونی‌های چین تقاضای جهانی برای صادرات آن‌ها کاهش یابد و از حجم سرمایه‌گذاری خارجی در کشورهاشان کاسته شود.

در واقع نیز سرازیر شدن صادرات کاربر (Labor - intensive exports) و ارزان چین به بازارهای جهانی این نگرانی را تشدید می‌کرد. کشورهای صنعتی نیز از آن نگران بودند که صادرات ارزان چین بازارهای داخلی آن‌ها را اشباع کند.

آیا این نگرانی‌ها منطقی است؟ به‌طور حتم این نگرانی‌ها از سوی برخی گروه‌های ذینفع ابراز می‌شود تا حدودی ریشه در واقعیت دارند. اما، باید توجه داشت که حضور موثر چین به‌مثابه‌ی بزرگ‌ترین بازیگر عرصه‌ی تجارت جهانی به‌ناچار، موجب تغییرات گسترده در تولید تجارت، سرمایه‌گذاری و اشتغال دنیا می‌شود. این‌که، این حضور چه تاثیری بر کشورهای دیگر دارد، نیازمند بررسی دقیق و همه‌جانبه‌ی کوتاه مدت و بلند مدت است که باید در چهارچوب نظم چندجانبه‌ی تجاری آینده‌ی جهان مورد بررسی قرار گیرد.

تعهدات چین

تعهداتی که چین در قبال عضویت در سازمان تجارت جهانی پذیرفت، بسیار اساسی و دور از انتظار قبلی جهانیان بود. در بخش کشاورزی، کاهش اساسی سطح تعرفه‌ها از

۳۱/۵ درصد به ۱۷/۴ درصد، حذف سوبسیدهای صادراتی و افزایش قابل ملاحظه‌ای سقف اغلب کالاهای وارداتی از جمله‌ی این تعهدات است. اگرچه میزان کاهش تعرفه‌ها برای برخی اقلام حساس (مانند غله) چندان چشم‌گیر نیست (از ۸۰ به ۶۵ درصد) اما این میزان در مقایسه با ارقام مشابه در اتحادیه‌ی اروپایی و برخی از کشورهای جنوب شرقی آسیا، قابل توجیه و تفسیر است.

چین، در زمینه‌ی فرآورده‌های صنعتی متعهد شده است که محدودیت‌های کلی را حذف کند میانگین تعرفه‌ها را تا سال ۲۰۰۵ از ۲۴/۶ درصد به ۹/۴ درصد رساند و «پیمان مربوط به تکنولوژی اطلاعات» را امضا کند. به‌موجب این پیمان، کلیه‌ی تعرفه‌هایی را که به تجهیزات مخابراتی، نیمه هادی‌ها، رایانه و تجهیزات رایانه‌ای و نیز دیگر فرآورده‌های مرتبط با تکنولوژی اطلاعات مربوط می‌شود باید حذف شود. اما، به‌نظر می‌رسد، بزرگ‌ترین تغییر به‌بخش خدمات مربوط شود. از این بخش تاکنون به‌شدت در برابر رقابت خارجی حمایت شده است. انتظار می‌رود محدودیت‌هایی که تاکنون در زمینه‌ی سرمایه‌گذاری خارجی به‌ویژه در عرضه‌ی واگذاری امتیاز، مشارکت در دارایی‌ها تعیین محل جغرافیایی پروژه، عملکرد تجاری و عملیاتی اعمال می‌شود به‌تدریج حذف شود. چین متعهد شده است که بازار خدمات مخابراتی، مالی، توزیع و دیگر صنایع خویش را بر روی سرمایه‌گذاری خارجی بگشاید.

علاوه بر بازگشایی بازار داخلی، چین یک سلسله تعهدات دیگر را نیز پذیرفته است که به شفافیت تجاری و نظام‌های سرمایه‌گذاری در این کشور کمک فراوان می‌کند. به‌عنوان مثال این کشور متعهد شده است سیاست تجاری خود را در تمامی نقاط کشور به‌طور یکسان به‌اجرا درآورد و تنها آن دسته از قوانین و مقررات را اجرا کند که پیش‌تر به‌طور رسمی و علنی به‌تصویب رسیده و منتشر شده باشند. چین همچنین پذیرفته است که تمامی سوبسیدهای مزاحم را (مانند سوبسیدهایی که بنگاه‌های دولتی دریافت می‌کنند) حذف و روح حاکم بر حقوق تجارت را لیبرالیزه و شرکت‌های دولتی را وادار کند که عملیات خویش را بر سیستم بازار منطبق کنند.

دستاوردهای چین

پس از پیوستن چین به سازمان تجارت جهانی، آمریکا به‌این کشور موقعیت کشور

کامل‌الوداد (Most - favored nation) اعطا کرد. به این ترتیب، بخش بزرگی از سوءظن‌های قدیمی حاکم بر روابط دو کشور، محو شد. تعدادی از شرکای تجاری چین نیز در آینده مجبور خواهند شد که به دنبال اقدام‌های این کشور، محدودیت‌های اعمال شده بر واردات یک سلسله از اقلام را حذف کنند. انتظار می‌رود سهمیه‌های اعلام شده در مورد منسوجات و پوشاک، به موجب «موافقتنامه‌ی منسوجات و پوشاک» لغو شود و دیگر سهمیه‌ها نیز از طریق مذاکره‌های دو جانبه و چند جانبه تعدیل شود. چین اکنون می‌تواند برای دفاع از منافع تجاری خویش به «سازمان تجارت جهانی» مراجعه کند و در مذاکره‌های چند جانبه‌ی تجاری نقش مهم‌تر و تعیین‌کننده‌تری برعهده بگیرد.

پیامدهای اقتصادی پیوستن به سازمان تجارت جهانی برای چین

جای تردید نیست که پیوستن چین به سازمان تجارت جهانی به نفع مصرف‌کننده‌ی چینی است و به بهبود بهره‌وری اقتصادی در این کشور منجر می‌شود. اگر چه ممکن است در کوتاه مدت، برخی از بخش‌های اقتصاد این کشور که به شدت حمایت می‌شدند از این روند زیان ببینند، اما بررسی‌های موجود نشان می‌دهد که مزایای رفاهی ناشی از لیبرالیزاسیون تجاری در چین، سالیانه به ۳۰۰ میلیارد دلار برای این کشور و ۶ میلیارد دلار برای اقتصاد جهانی بالغ می‌شود. در این صورت تولید ناخالص داخلی چین ۱/۵ تا ۱۰ درصد افزایش خواهد یافت. محاسبه‌ی مزایای ناشی از لیبرالیزاسیون بخش خدمات در چین بسیار دشوار است اما، برخی بررسی‌ها نشان می‌دهد که حذف یک سوم موانع تجاری موجود از سر راه این بخش، سالیانه ۷-۱۲ میلیارد دلار مزایای رفاه‌بخشی برای این کشور به دنبال دارد. اما برای محقق شدن این دستاوردها، باید صنایع چین، یک سلسله اصلاحات گسترده‌ی ساختاری را از سر بگذرانند. بررسی‌های انجام شده نشان می‌دهد که فعالیت صنایع کاربر چین (به ویژه در بخش منسوجات و پوشاک) در آینده گسترش خواهد یافت در حالی که فعالیت صنایع به شدت حمایت شده‌ی این کشور (مانند پتروشیمی و اتومبیل‌سازی) دچار افول خواهد شد. بخش کشاورزی نیز به علت کار بر بودن، از رشد قابل ملاحظه برخوردار خواهد شد. بخش مالی چین که به شدت زیر نظارت دولت قرار دارد، به علت ورود شرکت‌های خارجی در آینده بیش‌ترین فشار را متحمل خواهد شد.

تشدید رقابت، موجب افزایش نرخ بهره‌وری در چین می‌شود اما، فشار بر بازار کار (حدود ۵۰۰ هزار شغل در صنعت اتومبیل‌سازی و ۱۱ میلیون شغل در بخش کشاورزی) نیز تشدید شده و نابرابری درآمدها تعمیق می‌شود. با وجود این باید توجه داشت که این دشواری‌ها نیز در دراز مدت به تدریج قابل حل هستند.

پیامدهای اقتصادی پیوستن چین به سازمان تجارت جهانی برای کشورهای صنعتی

بررسی‌های متعدد انجام گرفته نشان می‌دهند که کشورهای صنعتی جهان از پیوستن چین به سازمان تجارت جهانی منتفع می‌شوند. برخی از این کشورها (به‌ویژه آمریکا و استرالیا) پیش از این تا حدودی به‌بازار فرآورده‌های کشاورزی چین راه پیدا کرده‌اند و انتظار می‌رود برخی دیگر نیز در آینده‌ی نزدیک به این بازار وارد شوند. بدون تردید در سال‌های آینده، صنایع سرمایه‌بر و تکنولوژی‌بر به سوی چین سرازیر خواهد شد. برخی از مزایای دیگری که غرب از ناحیه‌ی پیوستن چین به‌بازار تجارت جهانی کسب می‌کند به‌تعهداتی مربوط می‌شود که در مورد حذف موانع موجود از سر راه صادرات چین پذیرفته است. البته، تحقق این وعده‌ها به‌یک سلسله اصلاحات گسترده‌ی ساختاری در صنایع کاربر غرب، به‌ویژه منسوجات و پوشاک منجر خواهد شد. برخی کشورهای در حال توسعه از این مساله ابراز نگرانی می‌کنند که از آنجایی که پیوستن چین به‌سازمان تجارت جهانی موجب سرازیر شدن سیل سرمایه‌ی خارجی به‌این کشور و بالا رفتن توان رقابتی چین در بازارهای جهانی می‌شود. ممکن است موجب کم‌رنگ شدن حضور آنها در بازار جهانی شود.

در واقع نیز شواهدی در دست است که از سرازیر شدن سیل سرمایه‌ی مستقیم خارجی به‌چین به‌زیان دیگر کشورهای در حال توسعه حکایت می‌کند. بخش بزرگی از این سرمایه‌ها، به‌جای کشورهای عضو «آسه آن» به‌سوی چین سرازیر می‌شود. این در حالی است که در اوایل دهه‌ی ۱۹۹۰ سهم آسه آن از بازار سرمایه‌ی خارجی در میان کشورهای در حال توسعه ۳۰ درصد و سهم چین تنها ۱۸ درصد بود. اما در سال ۲۰۰۰ این نسبت برعکس شد و سهم آسه آن به ۱۰ درصد و سهم چین به ۳۰ درصد رسید. ضعف ساختارهای اقتصادی کشورهای آسه آن، در جریان بحران ۱۹۹۷-۱۹۹۸ آسیا، به‌وضوح نمایان شد.

پیامدهای اقتصادی پیوستن چین به سازمان تجارت جهانی

تاثیر بر جهان	تاثیر بر چین	تحقیق
رفاهی: ۳۵/۷-۳۸/۲ میلیارد دلار	رفاهی: ۲۳-۲۵ میلیارد دلار افزایش GDP: ۱۰-۸ درصد	walmsly and hertel (۲۰۰۲)
رفاهی: ۲۵/۵-۵۶/۷ میلیارد دلار	رفاهی: ۳۰/۳-۱۲/۴ میلیارد دلار	wang (۱۹۹۷)
-	رفاهی: ۱/۲ درصد GDP افزایش: GDP: ۱/۵ درصد	Zhai and Li (۲۰۰۰)
رفاهی: ۲۵/۷-۲۰/۵ میلیارد دلار	رفاهی: ۳/۹-۱۰/۵ میلیارد دلار	walmsly and others (۲۰۰۱)
رفاهی: ۵۶/۱ میلیارد دلار افزایش: GDP: ۰/۲ درصد	رفاهی: ۲۸/۶ میلیارد دلار افزایش: GDP: ۲/۲ درصد	lanchochivina and martin (۲۰۰۱)

اگرچه پیوستن چین به سازمان تجارت جهانی و تعهدات این کشور مبنی بر گشایش بازار خود بر روی تولیدات جهانی، شفافیت بیشتر در سیاست‌گذاری، بهبود مدیریت و قابل پیش‌بینی کردن فعالیت‌های تجاری از جذابیت فراوان برای سرمایه‌گذاران خارجی برخوردار است اما انتظار نمی‌رود در حجم سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در این کشور طی سال‌های آینده تغییری چشم‌گیر صورت گیرد. انتظار می‌رود در کوتاه مدت، به موازات حذف موانع تجاری، واردات چین با سرعتی بیشتر از صادرات فزونی بگیرد. اما، افزایش سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی می‌تواند، فشار بر حساب جاری این کشور را تعدیل کند، قرار پرداخت‌ها و نرخ ارز را ثابت نگاه دارد. اگر چه کاهش ارزش پول چین چندان بعید به نظر نمی‌رسد اما، این کاهش تنها در صورتی متحقق می‌شود که یا چین در جذب سرمایه‌ی مستقیم خارجی ناکام بماند و یا اصلاحات داخلی در این کشور به هر دلیل متوقف شود. البته نقش شوک‌های خارجی (مانند کاهش شدید ارزش «ین» یا دلار) را نیز در این رابطه نباید نادیده گرفت.

در هر حال صرف‌نظر از چشم‌انداز ورود و سرمایه‌های خارجی به چین و یا تغییرات احتمالی ارزش پول این کشور، کشورهای در حال توسعه‌ی آسیا معتقدند که در آینده با رقابت شدید چین به‌ویژه در بازار منسوجات و پوشاک روبه‌رو خواهند شد. این رقابت به‌احتمالی در بازار کالاهای الکترونیک ساده و نیمه پیچیده نیز تشدید خواهد شد. در کشورهای در حال توسعه نیز می‌توانند در برخی زمینه‌ها از این امر منتفع شوند. به‌عنوان

مثال هند می‌تواند بر صادرات رایانه، نرم‌افزار، خدمات رایانه‌ای و فرآورده‌های پتروشیمی به چین بیفزاید.

چالش‌های رویاروی

چین هنوز تا بازگشایی اقتصادی خود بر روی جهان راه‌درازی پیش روی دارد. هنوز برخی تعدیل‌های دشوار باید انجام شود که مهم‌ترین آن‌ها به صنایع به‌شدت حمایت شده‌ی چین و نیز بخش خدمات این کشور باز می‌گردد. گروه‌های متنفذ، بدون تردید بردامنه‌ی مخالفت خود با اصطلاحات خواهند افزود. چین اکنون باید روز نهادسازی و بازسازی نهاد مالی کهنه‌ی خود را شدت بخشد. (برچیدن باقی مانده‌ی نهادهای مسوول برنامه‌ریزی مرکزی، تنظیم سیاست‌های منطبق بر سیاست‌های سازمان تجارت جهانی، اصلاح قوانینی که با ترتیبات سازمان تجارت جهانی منافات دارند، و اعمال سیاست واحد در تمامی نقاط کشور). چین همچنین باید شبکه‌ی تامین اجتماعی خود را تقویت کند و از شکاف‌های اجتماعی اقتصادی میان مناطق مختلف کشور بکاهد. اما، انجام این کارها مستلزم دسترسی به منابع هنگفت مالی است.

در سال‌های آینده، عضویت چین در سازمان تجارت جهانی، برای کشورهای صنعتی و در حال توسعه نویدبخش خواهد بود. تقویت تجارت و سرمایه‌گذاری در این کشور، همسایگان چین را با محیطی امن‌تر و با ثبات‌تر روبه‌رو خواهد ساخت. ضمن این‌که حضور چین به‌مثابه‌ی یک عضو قدرتمند در سازمان تجارت جهانی، امکان اعمال نفوذ بر سیستم چند جانبه‌ی تجاری حاکم بر جهان را دو چندان می‌سازد. به‌احتمالی چین در سال‌های آینده، بر اصلاح قوانین ضد دمپینگ در سازمان تجارت جهانی پای خواهد فشرد و اجازه نخواهد داد از استانداردهای زیست محیطی و کار به‌عنوان پوششی برای حمایت‌گرایی استفاده شود. پیوستن چین به سازمان تجارت جهانی، حیاتی دوباره به‌کالبد اصلاحات ساختاری، در منطقه خواهد دمید که برخی آن را به «زنگ بیداری» تعبیر کرده‌اند.

رقابت در امر «اصلاحات» نه تنها به سود عملکرد اقتصادی در چین است بلکه موجب رونق اقتصادی دیگر کشورهای در حال توسعه‌ی آسیا نیز می‌شود.

از: Finance and Development